Archive of SID.ir

فصلنامه گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی
دوره ٤، شماره ١، شماره پیاپی (١٣)، بهار ١٤٠٤، ص ٨٢ ـ ٥٤

مقاله پژوهشی

تبیین جایگاه عدالت در تمدن نوین اسلامی (با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)

سید محمدرضا موسوی[١]، فرزانه دشتی[٢]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۱

چکیده: عدالت نقش اساسی، انگیزه‌بخش و غایت‌آفرینی در خلق تمدن‌های بشری برعهده دارد. همواره آموزه‌های اسلامی در پی تحقق این هدف والا بوده‌اند. تحقق و حضور عدالت در جامعه زمینه‌ساز شکوفایی یک تمدن بزرگ خواهد شد. به دیگر سخن لازمه داشتن یک جامعه مطلوب و رسیدن به سعادتمندی، اجرای عدالت در تمامی ابعاد و زمینه‌ها است. به همین منظور است که قرآن هدف از رسالت پیامبران الهی را برپایی قسط و عدل بیان می‌دارد. پژوهش حاضر به روش توصیفی- تحلیلی و اطلاعات مورد نظر تحقیق با ابزار کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری شده است. با توجه به اهمیت موضوع و جایگاه سخنان رهبری انقلاب پیرامون عدالت، در این مقاله تلاش شده است بایسته‌های عدالت‌خواهی با توجه به رهنمودها و بیانات ایشان ستخراج گردد. از این رو در این مقاله، پس از بررسی مفاهیم عدالت، تمدن، تمدن نوین اسلامی و تمدنسازی؛ به جایگاه و نقش عدالت در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با تاکید بر بیانات مقام معظم رهبری به منظور تأکید بیشتر بر اهمیت و نقش محوری آن در تمدن نوین اسلامی خواهیم پرداخت.

واژگان اصلی: عدالت، تمدن نوین اسلامی، انقلاب اسلامی، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مقام معظم رهبری.

[١] استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول)
Smr.mousavi@kut.ac.ir
[٢] استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده اصول دین، قم، ایران

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

١. مقدمه

یکی از اهداف مهم و زیربنایی انقلاب اسلامی ایران تحقق عدالت در همه ابعاد آن می‌باشد. لذا مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که در حکم نقشه راه انقلاب اسلامی به شمار می‌آید و چراغ راه آینده کشور است، به اهمیت عدالت و تبیین جایگاه آن و الزامات و بایسته‌های تحقق آن در تمدن نوین اسلامی پرداخته‌اند. محیط تمدنی، ظرف شکل‌گیری نهادها، هنجارها و ارزش‌هایی است که در فرآیندی تاریخی به تدریج سیر تکاملی خود را طی می‌کنند و جلوه‌ها و محصولات تمدنی را در عرصه‌های علم و فرهنگ، سیاست و حقوق و اقتصاد جامعه متمدن به نمایش می‌گذارند(خادم علیزاده، ١٣٩٨: ٨). در این میان عدالت نقش اساسی و مهمی را در دستیابی و تحقق اهداف جامعه متمدن داراست. عدالت، قانون حاکم بر جهان آفرینش است. نظام هستی بر محور عدل استوار است. در حوزه سیاست و اجتماع، دادورزی و اجرای عدالت باسابقه‌ترین آرمانی است که همواره دغدغه خاطر حکیمان و مصلحان اجتماعی بوده است. افلاطون کتاب «جمهوریت» را به منظور تبیین این اندیشه نوشت. او معتقد است که مدینه فاضله زمانی شکل می‌گیرد که حاکم، مدینه خود را وقف عدالت کند و جامعه بر محور عدل سامان یابد. ارسطو در کتاب «سیاست» در جستجوی روش‌های اجرای عدالت بود و سرانجام اجرای عدالت را معیار راستی و درستی حکومت دانست. فارابی در «سیاست مدینه» بر این رویکرد تأکید کرد که وظیفه سیاستمدار مدینه، نظاممند ساختن روابط اعضای جامعه بر اساس عدل است. خواجه نصیر طوسی در «اخلاق ناصری» عدالت را مبنای حقوق دانسته و بر این باور است که عدالت زمینه‌ساز تعاون و تعاون شرط تکامل اجتماعی است. ابن خلدون در «مقدمه»، کارویژه دولت‌ها را مبارزه با ستم و تبعیض و پاسداری از عدالت اجتماعی برشمرده است(سلیمی، ١٣٨٤).

باید اذعان نمود که عنوان عدالت، آرمانی انسانی است و سابقه‌ای به قدمت عمر بشر دارد. از سپیده‌دم آفرینش، بشر آن را به عنوان یک گرایش باطنی شناخته و به آن روی آورده و مبنای قوانین و قضاوت قرار داده است. هیچ چیز به اندازه پایمال شدن حق ضعیف و مظلوم برای فطرت بشر زجرآور و نفرت‌انگیز نیست و هیچ چیز به اندازه بی‌عدالتی، کینه و دشمنی را در قلب‌ها پدید نمی‌آورد. علت بسیاری از انقلاب‌ها، فقدان

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

عدالت اجتماعی در جامعه بوده است و به همین رو تمام مصلحان بشری و انسان‌های آزاده تاریخ با اندیشه عدالت، حرکت‌های اصلاحی را آغاز نموده و یکی از اهداف اصلی انقلاب و تحرکات اجتماعی خود را رفع تبعیض و برقراری عدالت اجتماعی قرار داده‌اند(حق‌پناه، ۱۳۸۰).

لذا آرمان عدالت همواره در طول تاریخ جز آمال انسانه‌ای آزاده و ستمدیده جهان بوده است به گونه‌ای که در ادیان و آیین‌های متعدد در سطح جهانی مباحثی از عدالت وجود دارد و همه آنها متفق بر این هستند که منجی در زیر پرچم عدالت، جهان را به یکپارچگی و همبستگی می‌رساند. بنابراین وجه مشترکت ملت‌های جهان در تعریف موعود آخرالزمانی وعده ایجاد دولت عادلانه و نابود کردن ستم ظالمان در جهان می‌باشد(کارگر، ۱۳۹۵: ۱۵۰). اسلام به عنوان آخرین دین الهی، بر عدالت تأکید فراوان کرده است. عدالت مورد نظر اسلام همچون گوهر درخشنده‌ای است که غبار زمان آن را پوشانده باشد(جالینوسی و نجف‌پور، ۱۳۸٦: ۱۰۰ به نقل از: کارگر، ۱۳۹۵: ۱۵۰).

پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال اصلی است: «جایگاه و الزامات دستیابی به عدالت در گام دوم بیانیه انقلاب اسلامی در تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری چیست؟» فرضیه پژوهش حاضر آن است که عدالت به عنوان مهم‌ترین و بنیادی‌ترین مؤلفه‌ی ساختاری تمدنسازی اسلامی و شاخصه‌ی عمده تمدن نوین اسلامی است. لذا از منظر رهبری؛ از طریق ایجاد عدالت و استقرار آن، رشد و توسعه اقتصادی، برقراری عدالت اجتماعی، سرمایه اجتماعی تقویت گشته و در نتیجه در بالندگی و تحکیم تمدن نوین اسلامی بسیار تأثیرگذار است. پس از بررسی مفاهیمی چون تمدن، تمدن نوین اسلامی و عدالت به واکاوی عدالت در تمدن اسلامی پرداخته است و به طور کلی مقاله پیشرو با هدف بررسی جایگاه و نقش عدالت در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری صورت پذیرفته است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۲. پیشینه پژوهش

هر پژوهشی که توسط محقق آغاز می‌شود قطعاً پیشینه مطالعاتی دارد. بدین معنا که حتماً تحقیقاتی که حداقل به طور جزئی یا غیرمستقیم به آن موضوع مرتبط باشد، وجود دارد. هر کار تحقیقی در پیوستاری جا می‌گیرد، یعنی از کارهای تحقیقی قبلی اثر پذیرفته و در کارهای بعدی اثر می‌گذارد. بنابراین طبیعی است که محقق با تحقیقات قبلی که درباره موضوع مشابه صورت گرفته است آشنایی حاصل کند و نسبت به وجود تشابه یا مفارقت کار خود با این تحقیقات آگاهی پیدا کند. از این رو باید اشاره داشت که با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در زمینه موضوع پژوهش، تحقیقات اندکی وجود دارد که به طور جامع به این موضوع پرداخته باشند. با این حال می‌توان مواردی را یافت که با بخشی از موضوع مرتبط باشند که در ادامه بیان می‌شوند.

دانشپور و عزیزی(۱۳۹۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان «احیای جنبش عدالت‌خواهی در مسیر تمدن نوین اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب»، عدالت را مهم‌ترین محور بیانیه گام دوم انقلاب دانست که تحقق آن شاخصه مهم آرمان تمدن نوین اسلامی است. این نوشتار در صدد است، راهکارهای راهبردی تحقق و اجرای عدالت را در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی مورد تبیین و تحلیل قرار داده، در نهایت عدالت را شاخص و نماد متمایز تمدن نوین اسلامی با تمدن غرب معرفی نماید.

یوسفی خرایم(۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «پیشران‌های تحقق عدالت اجتماعی به عنوان یکی از محورهای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران»، هدف پژوهش حاضر شناسایی پیشران‌های تحقق عدالت اجتماعی در گام دوم انقلاب است. در این راستا، پس از بررسی موضوع عدالت در بیانیه گام دوم و مرور پیشینه پژوهش‌ها درباره تحقق عدالت اجتماعی و تشکیل گروه متمرکز، ١٤ عامل به عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر در تحقق عدالت اجتماعی شناسایی شده است. با به کارگیری نرم افزار میک مک عوامل یادشده تحلیل ساختاری شدند. عوامل اثرگذار و تأثیرپذیر به صورت مستقیم و غیرمستقیم شناسایی و رتبه‌بندی شده، و مهم‌ترین آنها به عنوان پیشران‌های کلیدی ارایه شده اند. در نتیجه، عوامل قوانین و مقررات، مطالبه‌گری، باور دینی، همکاری و مشارکت اجتماعی، رسانه، نظارت همگانی و نظارت رسمی به عنوان پیشران‌های کلیدی که

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

کمترین اثرپذیری و بیشترین اثرگذاری را در سیستم تحقق عدالت اجتماعی در گام دوم انقلاب را دارند، شناسایی شدند.

اسماعیل‌پور و همکاران(۱۳۹۷)، در پژوهشی تحت عنوان «بررسی عدالت اجتماعی از منظر مقام معظم رهبری در راستای بیانیه گام دوم انقلاب»، برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوا استفاده کرده‌اند. بر این اساس، ابتدا بر اساس یافته‌های حاصل از مطالعات صاحب‌نظران، مضامین و مقوله‌های عدالت از منظر مقام معظم رهبری در قالب پنج مقوله عوامل سازمانی- اجتماعی، عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی، عوامل مذهبی، عوامل سیاسی مطرح شد. بر اساس مضامین تحقیق پیشنهاد میشود سازمانها با طراحی نظام دریافت بازخورد، زمینه را برای محقق نمودن شاخص عدالت توزیعی فراهم نمایند. فرایندها و رویه‌های سازمانی، به موقع و با قاطعیت به اجرا درآید. سازمان‌ها در فرایندها و رویه‌های خود به ویژه رویه‌های استخدامی، تشویق و...، این شاخص را مورد توجه قرار دهند.

اشرف(۱۳۹۹)، در مقاله دیگری تحت عنوان «تمدن نوین و مقیاس انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم»، بر اساس بیانیه گام دوم، سعی نموده است تا با تکیه بر بیانیه گام دوم، مقیاس انقلاب اسلامی را بررسی و تحلیل و در آخر مسیر پیش روی ایجاد و تقویت تمدن نوین اسلامی بر اساس این مقیاس ترسیم شود. انقلاب اسلامی امروز به یک جنبش و تمدنی در مقابل تمدن مادی غرب تبدیل شده و معادلات قدرت را تغییر داده و در حال پیشروی به سوی قله‌ها و سنگرهای کلیدی جهان است.

شمشیری و شمشیری(۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش عدالت در تمدن نوین اسلامی»، معتقد است که اجرای عدالت در سطوح مختلف با ایجاد یک نهادی با کارویژه نظارت بر تحقق عدالت و هدایت ساختارها به سمت آن، موجب حرکت سریع و رو به رشد جامعه در رسیدن به تمدنسازی می‌باشد. تحقیق حاضر به صورت کتابخانه‌ای انجام گرفته و در این تحقیق به‌طور کلی به این موضوع پرداخته می‌شود که اولا، مهمترین عنصر تمدن نوین اسلامی چیست؟ ثانیا، جایگاه آن در فرآیند تمدنسازی چه خواهد بود؟

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

امینی(۱۳۹۷)، در مقالهای با عنوان «بررسی و تبیین عدالت در بیانیه گام دوم انقلاب مقام معظم رهبری»، اذعان مینماید؛ در زمانی که فرقهگری، درمیان مسلمانان، باعث ایجاد دیدگاههای متفاوت بر سر مسئلهٔ خلافت شده بود و امت اسلامی روز به روز از اصول جهانبینی صدر اسلام و سیرهی پیامبر اکرم(ص) فاصله میگرفت، حکومت علوی، با اشتیاق به بازیابی سنت پیامبر(ص) و جبران آنچه از دست رفته بود، به پا خاست و عدالت را شاه کلید اساسی همهٔ اقدامات خود قرار داد. بر همین اساس، عدالتپروری و عدلگرایی به مثابه اصلی جداییناپذیر برای حکومت امیر مؤمنان (ع) به شمار آمد و بهترین معرّف آن شد و اینک سالهاست که بحث عدالتگرایی را مقام معظم رهبری در بیانات خود به تصویر کشیدهاند که آخرین آنها بیانیه گام دو انقلاب است که در اسفند ماه سال ۹۵ بیان فرمودهاند و به نظر میرسد که تبیین اینگونه مفاهیم جهت داشتن جامعه و امتی راستکردار ضروری است. لذا در این مقاله با توجه به تمام سخنرانیهای ایشان مبحث توصیه چهارم گام دوم انقلاب که اختصاص به عدالت دارد، پرداخته شده که در نهایت لزوم به کاربری عدالت در میان مسئولین ومردم با توجه به الگوی اسلامی ایرانی ضروری به نظر میرسد.

بدین‌ترتیب هر یک از مقالات ذکرشده، از زوایای مختلفی به عدالت، تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری به تفکیک نگریستهاند، از لحاظ محتوایی می‌توان گفت تا حدودی همدیگر را پوشش می‌دهند ولی هرکدام مؤلفههایی را به صورت جداگانه بررسی نمودهاند. لذا به جهت نوآوری در این نوشتار کوشش شده است برخی کاستی‌های موجود در تحلیل‌های پیشین برطرف گردد. هدف تحلیل توصیفی جایگاه عدالت در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری می‌باشد.

۳. روش‌شناسی

رویکرد پژوهش حاضر، رویکرد تبیینی- تحلیلی بوده که از روش تحقیق کیفی در آن بهره جستهایم. همچنین ابزار گردآوری اطلاعات و دادههای مورد نظر پژوهش با استفاده از روش کتابخانهای – اسنادی جمع‌آوری شده است و به دیگر سخن ادبیات

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مورد نیاز تحقیق با استفاده از کلیه منابع، متون، تحقیقات معتبر و در دسترس گردآوری شده است.

۳.۱. تعاریف مفاهیم

۳.۱.۱. تمدن

تمدن از جمله مفاهیمی است که از آن تعاریف متعددی ارائه شده است. اهل لغت، تمدن را تخلق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت، انس و معرفت دانسته‌اند(دهخدا، ۱۳۷۳: ج٤: ٦١٠٨). «واژه civilization معادل تمدن یا حضاره است. این واژه در زبان انگلیسی از لغت لاتینی civis به معنی شهروند یا شهرنشین گرفته شده و برای دلالت بر ویژگی‌هایی مانند لطف، کیاست و لیاقت مورد استفاده قرار گرفته است که دستاورد شهرنشینی است یا برای پیشرفت و ترقی افراد و جمعیت‌هایی که در شهرها زندگی می‌کنند»(سپهری، ۱۳۸۵: ۳۵).

فرهنگ لالاند بیان می‌کند که یک تمدن مجموعه‌ای از پدیده‌های اجتماعی قابل انتقال است و جنبه‌های مذهبی، اخلاقی، زیبایی‌شناسی، فنی علمی مشترک در یک جامعه یا چند جامعه مرتبط با یکدیگر را به خود می‌گیرند(ساروخانی، ۱۳۷۰: ۹۹ به نقل از: ضابط‌پور کاری، ۱۳۹٦: ۱۸۹). به واقع، تمدن؛ «واقعیتی چندلایه، چند سطحی، پویا و رو به رشد است که در آن حیات بشری در ابعاد مختلف اعم از فلسفی، علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، هنری و ابزاری برای شکوفا می‌شود و انسان‌ها در هر یک از این زمینه‌ها به تولید و خلاقیت دست می‌زنند»(برزویی و جهانگیری، ۱۳۹۷: ۸٤). احمد دانشگر تمدن را این‌گونه تعریف میکند: «مرحله‌ای از تکامل جامعه که طی آن، همکاری یک جامعه در امور اجتماعی و دینی و سیاسی به صورت قانونمند درمی‌آید(دانشگر، ۱۳۸۱: ۲۲۳). از نظر توین بی[1] تمدن عبارت است از تلاش برای آفریدن جامعه‌ای که کل بشر بتوانند با همنوایی در کنار یکدیگر درون آن زندگی کنند(توین‌بی، ۱۳۷٦: ٤٨ به نقل از: ضابط‌پور، ۱۳۹٦: ۱۸۹). وی تمدن را مرحله تمدن‌ها نظام‌های

[1]. Arnold Toynbee

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

پیچیده‌اند با کلیتی در هم‌تنیده که اجزایشان با یکدیگر در ارتباط بوده و عناصر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن ضمن توجه به یک کل واحد در تناسب باهمند(پهلوان، ۱۳۸۸: ٤٣٦). ویل دورانت[1] تمدن را این‌گونه توصیف میکند: «مجموعه بزرگی از نظام‌های اجتماعی(سیاسی، اقتصادی، حقوقی، تربیتی، عبادی و....) که از نظر جغرافیایی واحد کلانی را در قلمرو پهناور در برمی‌گیرد و فرهنگی واحد بر تمامی اجزای آن سیطره دارد»(دورانت،١٣٨٤: ٢٥٦).

هانتینگتون تمدن را بالاترین گروه‌بندی فرهنگی و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی می‌داند که انسان‌ها را از آن برخوردارند(جمشیدی‌راد و ادیب بهروز، ۱۳۹۸: ١٠٤). به نقل از علامه جعفری «تمدن عبارت است از برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تزاحم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم مقام آنها بنماید، به‌طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه بروز و به فعالیت رسیدن استعدادهای سازنده آنها باشد» (جعفری، ١٣٧٦، ج ٦: ٢٣٣ به نقل از: اکبری و رضایی، ۱۳۹۳: ۸۸).

حسن حنفی، متفکر مصری، در تعریف تمدن می‌گوید: «دامنه‌ی تمدن، گسترده‌تر و دایره‌ی شمول آن بیشتر است؛ [زیرا] فکر و فرهنگ و علم را نیز دربر می‌گیرد. تمدن عبارت است از همه‌ی فعالیت‌های ذهنی و هر آن چه در بیرون از ذهن در قالب فناوری، اختراعات، اکتشافات جدید، عمران، شهرها، مساجد، قصرها و قلعه‌ها دیده می‌شود؛ بنابراین تمدن در این جا از معنی فرهنگ فراتر می‌رود و به مدنیّت می‌رسد (جمشیدی–راد و ادیب بهروز، ۱۳۹۸: ۱۰۵). بنابراین، نظامات موجود در ساختار تمدنی را می‌توان مجموعه‌ای از نظام‌های اعتقادی، ارزشی، علمی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دانست که در کنار جلوه‌های پیشرفته‌ی زندگی مادی، الگوی تمدنی متمایزی را شکل می‌دهند که تجلی فرهنگ و اندیشه‌ی آن جامعه، در قامت منظومه‌های پویا و منسجمی از نظام‌های اجتماعی همسو باشند (شجاعی، ۱۳۹۵: ٧٤).

[1]. William James Durant

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۳.۱.۲. تمدن نوین اسلامی

دین اسلام مجموعه‌ای از باورهای اساسی مبتنی بر توحید می‌باشد، شکل‌دهنده ارزش‌ها و ارائه‌دهنده هنجارها برای جهت‌دهی به رفتارها و نمادهاست و می‌تواند برای افراد، نظام عقیدتی مشترکی را به وجود آورد تا از این راه، هویت فرهنگی مشترک تحقق یابد. کارکرد این نظام عقیدتی، معنابخشی به واقعیتهاست که به واسطه‌ی قاعده‌مند کردن مفاهیم عام هستی صورت می‌گیرد. بر این اساس، می‌توان ازمعرفتی دینی سخن راند که منبعی از معانی غایی است؛ عناصر فرهنگی و اجتماعی متنوع را به یکدیگر پیوند میزند و هویت و همبستگی را فراهم مینماید(پیروزمند و خورشیدی، ۱۳۹۸: ۳۳۳– ۳۳۲).

تمدن اسلامی ناظر به انقلاب اسلامی ایران؛ «شکل جامع و فراگیری از اسلام است که بر چهار رکن دین، عقلانیت، علم و اخلاق بنا شده است؛ و در زنجیره پویا و تکامل انقلاب، نظام، دولت، جامعه و تمدن اسلامی؛ در ابعاد مختلف فلسفی، علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به صورت تدریجی و گام به گام پیش می‌رود و تحقق متعالی آن در دوران ظهور امکان‌پذیر خواهد شد (الویری و برزویی، ۱۳۹٤: ۷۲ به نقل از برزویی و جهانگیری، ۱۳۹۷: ۸٤). تمدن نوین اسلامی در حقیقت راهبرد کلانی است که در عمق بیداری و حرکت‌های اسلامی، به ویژه انقلاب اسلامی قرار دارد و برپایی این تمدن با همه ابعاد و زوایا در ظرفیت جهان اسلام و در صلاحیت اندیشه ناب اسلامی وجود دارد (ضابطپور کاری، ۱۳۹٦: ۱۸۵). مقصود از «تمدن نوین اسلامی» تمدنی است که در بسترفرهنگ اسلامی رشد کرده، نظامات گوناگون آن ریشه در باورهای بنیادین اسلامی دارد و موجد توسعه و پیشرفت در جلوههای مادی زندگی امت اسلامی و مبتنی بر مقتضیات زمان و مکان می‌گردد (شجاعی، ۱۳۹۵: ۷٤).

بنابراین، تمدن اسلامی در کامل‌ترین صورت خود، فضایی را در ابعاد سخت–افزاری و نرم‌افزاری برای امت اسلامی ترسیم می‌کند که «انسان در آن فضا، از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی، می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است، برسد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/٦/٤ به نقل از: شجاعی، ۱۳۹۵: ۷۵).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اندیشه تمدنی آیت‌الله خامنه‌ای، ناظر به فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی است؛ به گونه‌ای که این فرآیند را معطوف به تجربه جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌کنند. بر اساس اندیشه ایشان، جامعه ایرانی با طی مراحل تکوینی خود، از یک انقلاب به یک تمدن می‌رسد. ایشان معتقدند که با طی مراحل انقلاب، نظام‌سازی، دولت‌سازی و جامعه‌سازی در ایران، تمدن نوین اسلامی تشکیل می‌گردد و تحقق هر یک از مراحل و حلقه‌های این زنجیره، زمینه‌ساز شکل‌گیری مرحله بعدی می‌باشد که نتیجه آن، تحقق تمدن نوین اسلامی است: «با بررسی مراحل پنجگانه می‌توان گفت که نکته مهم و قابل توجه در این میان آن است که در این فرآیند، شروع هر مرحله، به معنی پایان مرحله قبل نیست بلکه هر مرحله، نقش و جایگاه مفهومی دارد که همواره در حال تکامل است؛ به بیان دیگر، یک زنجیر منطقی وجود دارد؛ حلقه اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است؛ این یک زنجیر مستمری است که با هم مرتبط است»(بیانات مقام معظم رهبری در ١٣٩٠/٠٧/٢٤).

٣.١.٣. تمدن سازی اسلامی

تمدنسازی اسلامی یعنی پیشرفت همه‌جانبه در کنار برخورداری از دستاوردهای علمی و فناورانه با تأکید بر عنصر حرکت و تعالی که شامل تمام ابعاد مادی و معنوی انسانها می‌گردد. تمدنسازی اسلامی، تنها به دنبال اسلامی کردن جنبه‌های عینی، عملی و تاکتیکی جامعه نیست که با تصرف حکومت توسط افراد مؤمن بتوان آن را به دست آورد (مرکز مطالعات راهبردی ناجا، ١٣٩٥: ٥ به نقل از: پیروزمند و خورشیدی، ١٣٩٨: ٣٣٣). بلکه در تمدنسازی اسلامی علاوه بر ایجاد حکومت اسلامی و پرداختن به جنبه‌های عینی و مادی جامعه، نیاز به اسلامی نمودن جنبه‌های ذهنی، فرهنگی و معنوی تمدن به عنوان سازه‌های اصلی برای ایجاد تمدن اسلامی نیز میباشد. در تمدنسازی اسلامی، نگاه جامع به تعالی‌بخشی در تمام جنبه‌های زندگی بشر و نیازهای او لحاظ شده است. لذا «تمدن نوین اسلامی می‌تواند با شاخصه ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، اندیشه پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه بشریت هدیه دهد و نقطه رهایی از

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

جهان‌بینی مادی و ظالمانه و اخلاق به لجن کشیده‌ای که از ارکان تمدن امروزین غربباند، باشد». بنابراین می‌توان گفت؛ نتیجه تمدنسازی اسلامی باید موجب ظهور و بروز مادی و معنوی پیشرفت‌های هدفمند، نظاممند و نوظهور امت اسلامی بر اساس تعالیم اسلامی در تمامی عرصه‌های اجتماعی شود که شکلی معنادار و منضبط به خود گرفته و جامعه اسلامی را به مقاصد خود نزدیک می‌کند (غلامی،۱۳۹٦: ٤۳ به نقل از: پیروزمند و خورشیدی، ۱۳۹۸: ۳۳٤-۳۳۳).

آیتالله خامنهای در مورد تمدن اسلامی بیان داشتند: «تمدن اسلامی را فضایی می‌داند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادّی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است. زندگی خوب و عزّتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدّن اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۰۳/۲۲) به طورکلی، تمدنسازی اسلامی یعنی طراحی و ساخت تدریخی و مشارکتی شرایط عینی زیست مؤمنانه انسانها بر اساس الگوهای جدید مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و تجربه‌های تمدن پرشکوه اسلامی که ضمن پاسخگویی به نیازهای طبیعی و ایجاد پیشرفت مادی، بعد معنوی انسان‌ها را نیز به سوی تعالی و سعادت رهنمون می‌سازد (پیروزمند و خورشیدی، ۱۳۹۸: ۳۳٤).

۳.۱.٤. عدالت

در معنای لغوی، برخی از لغویون عدالت را به معنای استقامت معنی کردهاند و معتقدند که عدالت عبارت است از استقامت در طریق حق و اجتناب از آنچه در دین محظور است. برخی دیگر عدل را مقابل ظلم و به معنای احقاق حق و اخراج حق از باطل و امر متوسط میان افراط و تفریط بیان کردهاند. همچنین برخی عدل را به معنای برابری و تساوی و انصاف و داد و ضد جور و مانند و مثل چیزی از وزن و قدر و یک لنگه از دو لنگه بار ستور (چهارپایان) می‌دانند(عیسی‌زاده و همکار، ۱۳۹٦). در معنای اصطلاحی نیز عدالت را در دو معنا به کار رفته است: نخست، به معنی برابری، مساوات، انصاف و بی‌طرفی. از این رو، برخی عدالت را به معنای تساوی و نفی تبعیض، رعایت

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

تساوی در زمینه استحقاق‌های متساوی ذکر کرده‌اند. ابن تیمیه نیز عدالت را به معنای برگرداندن مثل و مانند یک چیز دانسته و فارابی آن را به معنای تقسیم کالاهای مشترک آورده است. معنای دوم عدالت به معنی توازن، تعادل، اعتدال، تناسب، حد وسط و مطابقت با نظم است. در این معنی، عدالت را در معنای عدم افراط و تفریط به کار برده و فارابی، عدل طبیعی را برای این معنا ذکر کرده‌اند(عیسی‌زاده و همکار، ١٣٩٦).

عدالت مفهومی است که بشر از آغاز تمدن خود می‌شناخته و آن را آرمان مطلوب خود می‌دانسته و برای استقرار آن کوشیده است. در اهمیّت عدالت، همین بس که آموزهٔ عدل الهی یکی از آموزه‌های مهم وگرانسنگ تمام پیامبران الاهی است. در عهد عتیق، به دادورزی خداوند اشاراتی شده است. ابراهیم، نخستین سرور عبرانیان، خداوند را داور تمام زمین می‌خواند (قربانیان،١: ١٣٨٣). برخی عدالت را به معنی هماهنگی انجام وظیفهٔ خویش، میدانند. برطبق این نظر که جای هرچیزی در افراط و تفریط نیست بلکه حد وسط بهترین جا است. از این حیث بر طبق این تعریف می‌توان گفت عدالت به این معنی است که هرکسی هرچیزی را که که حق اوست به دست آورد و به انجام کاری اقدام کند که استعداد و شایستگی آن را دارد(افلاطون، ١٣٨٠:٨٧٤-٨٤٩).

از دیدگاه فارابی میتوان دومعنا از عدالت را برداشت کرد: یکی قرار دادن هر چیز بر سر جای خود و دوم میانه‌روی و پرهیز از افراط و تفریطی. در مورد مفهوم اول باید به این نکته اشاره کرد که فارابی نیز معتقد بود در درون هر انسانی سه قوه شهوت، غضب و خرد وجود دارد شهوت شوق به خواستن چیزی و خرم شوق درو کردن و راندن چیزی از خود است فارابی بر این باور بود که شهوت و غصب ناشی از احساس اند. بنابراین خرد باید بر آن‌ها حکم‌فرما باشد زیرا خرد باعث نیک‌بختی و سعادت همیشگی می‌شود پس برتری خرد بر دو قوه دیگر خود معنای عدالت در وجود انسانی است(فارابی،١٣٧٦:١٨٨-١٨٦). خداوند متعال در قرآن در مورد اهمیت عدالت می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان دارید، عدالت را به پا دارید و باید خدا را گواه خود قرار داده و گرچه عدالت به ضرر شما با پدر و مادر و بستگان شما باشد(سوره نساء، آیه ١٣٥).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

قوانین الهی و به‌طور مشخص قوانین اسلام در همه عرصه‌ها، از جمله در عرصه روابط اجتماعی و حقوقی، براستی سازگار و هماهنگ با واقعیات هستی و وجود انسان و نیز تأمین‌کننده عدالت بوده و در نتیجه غیر قابل تغییرند «وَتَمتْ كَلِمَتُ رَبکَ صِدْقًا وَعَدْلًا لا مُبَدلَ لِكَلِمَتِهِ وَهُوَ السمِيعُ الْعَلِيمُ».(انعام/۱۱۵). و به همین جهت- و جهاتی دیگر، هم‌چون استواری قوانین بر علم و حکمت خداوندی- این قوانین، از نگاه اهل یقین و حقیقت، بهترین قانون خواهند بود: «أَفَحُكْمَ الْجَهِلِيةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ(مائده/۵۰) تأکید آیات فراوانی از قرآن کریم بر عدالت‌ورزی در عرصه‌های مختلف، نشان‌دهنده این حقیقت است. برای نمونه، در برخی آیات، خداوند دستور می‌دهد که داوری بین مردم بر اساس «حق» باشد: «فَاحْكُم بَيْنَ الناسِ بِالْحَقِ وَ لَا تَتبِعِ الْهَوَى».(ص/۲۶) و در آیاتی دیگر رفتار و یا حکم، بر اساس عدالت(شوری/۱۵، مائده/۸، انعام/۱۵۲، بقره/۲۸۲، نساء/۵۸) یا قسط(مائده/۸ و ۴۲، احزاب/۵، بقره/۲۸۲، نساء/۱۲۷ و ۱۳۵، اعراف/۲۹، هود/۸۵، رحمن/۹) و یا توأمان عدل و قسط را(حجرات/۹) مصداق حکم به حق معرفی می‌کند به‌گونه‌ای که می‌توان براساس آن، اصل عدل را، پایه «فلسفه حقوق اسلامی» دانست(مطهری، ۱۳۵۳، ص۱۰۷)

همچنین در نهج‌البلاغه، عدالت در نهج البلاغه عبارتست از: «هر چیز در سر جای خود قرار بگیرد» و در جای دیگر، از عدل به «رعایت کردن استحقاق ها در افاضه‌ی وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به آن چه امکان وجود دارد» تعبیر شده است(صیادنژاد، ۹:۱۳۸۵).

در ادامه مدل مفهومی پژوهش پیش رو مطابق نمودار ذیل ترسیم شده است:

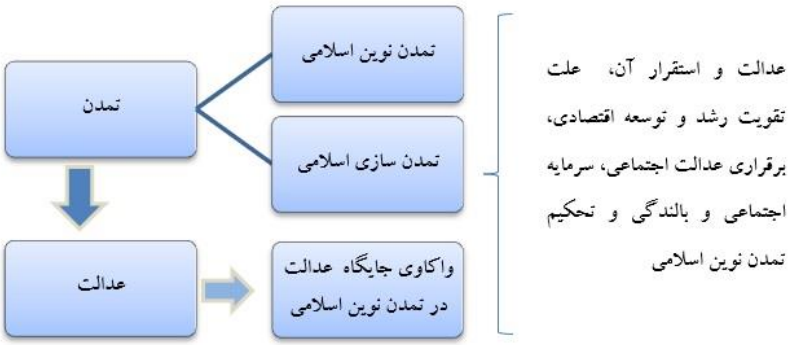

نمودار شماره(۱) مدل مفهومی پژوهش

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

٤. واکاوی جایگاه عدالت در تمدن نوین اسلامی

جایگاه عدالت در سطح اجتماع از منظر قرآن تا بدان جاست که خداوند در آیات متعددی به طور قاطع به آن فرمان می‌دهد: «انَّ اللهَ یأْمُرُ بِالْعَدلِ؛ خداوند به دادگری فرمان می‌دهد»(سوره نحل، آیه ۹۰). همچنین خداوند یکی از اصلی‌ترین اهداف رسالت پیامبران الهی را عدالت دانسته و می‌فرمایند: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب والمیزان لیقوم الناس بالقسط؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند»(سوره حدید، آیه ۲۵).

باید اذعان نمود که از نظر عقلی، زندگی اجتماعی نیازمند قانون و عدالت است(سلیمی، ١٣٨٤). ضمناً یکی از اساسی‌ترین و مهمترین برنامه که در صدر دستورات خداوند قرار گرفته، بحث عدالت است. ایمان عمیق قلبی و عملی به اصل رشدبخش عدالت و گام سپردن در شاهراه دادگری در میدان‌های گوناگون زندگی، از اساسی‌ترین علل رشد و تکامل جامعه‌ها و پیدایش و شکوفایی تمدنهاست؛ همچنان که خروج از شاهراه عدل و داد و بیگانگی با قسط و انصاف و گرایش به ظلم و جور و غلتیدن به دوزخ اختناق و استبداد از عوامل مهم آشفتگی اجتماعی و پسرفت ملتهاست و فروپاشی نظامها و سلسله ها و زوال و فنای تمدنهاست. به همین دلیل است که قرآن موضوع حیاتی عدالت و دادگری را به صورت بینظیر طرح، و برای تحقق همه جانبه و حقیقی آن در کران تا کران زندگی جامعه‌ها، تمدنها و نظامها سخت می‌کوشد و برنامه می‌دهد و دوشادوش آن، از ظلم و انحراف و استبداد و نقد و نظارت‌ناپذیری و محاسبه‌گری قدرت سخت هشدار داده و برای برانداختن آن در تمامی چهره‌ها و سوزانیدن میکروب مرگبار و انحطاط آفرین آن از هیچ اقدام شایسته و جهاد و تلاش بایسته‌ای فروگذار نمی‌ماند(کرمی فریدنی، ۱۳۹۳: ٤٣٦ به نقل از: کارگر، ۱۳۹۵: ۱۵۸).

لذا در اسلام، اصل عدالت در نظام آفرینش و جهان‌بینی، نظام حقوقی و وضع قوانین زندگی، اجرای سیاست و مدیریت، جهانداری و نیز، در سیستم اخلاقی و منش انسانی تعریف شده است(کرمی فریدون، ۱۳۸۵: ٤١٩ به نقل از: فرزانه و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۸) و به سان روحی بر کالبد جوامع و تمدن‌هاست. به طوری که می‌توان گفت عدالت باعث قوام، دوام، اقتدار و پیروزی جامعه و تمدن است(فرزانه و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۸).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

همچنین در حوزه وسیع تمدن اسلامی، اقوام و ملل مختلف نظیر عرب، ایرانی، ترک، هندی، چینی، مغولی، آفریقایی و حتی ذمیان زندگی می‌کردند. در واقع، وعده‌های عدالت و برابری و برادری که در اولین پیام‌های مسلمانان در فتوحات سر داده شد، چنان جذابیتی داشت که بسیاری از مردم نواحی مختلف، نه تنها جذب اسلام شده، بلکه در گسترش فکری، فرهنگی و پیشرفت تمدنی سهم بسزایی داشتند(فرزانه و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۸).

از این رو شاخصه اصلی برای حفظ و تعادل در نظام‌های تمدن اسلامی که بقاء تمدن را تضمین مینمایند، وجود عدالت در همه خرده نظام‌های آن است. در میان همه شاخصه‌های تمدن، عدالت به صورت زنجیری است که همه خرده نظامها را به هم متصل میکند و مانع انفکاک آنها در سطح کلان تمدن می‌باشد. زیرا که جدایی هرکدام موجب آسیب و انحراف و سپس اضمحلال تمدن می‌گردد. عدالت در اندیشه فارابی، امام و مقام معظم رهبری در همه ابعاد تمدنی وجود دارد و نمی‌توان آن را جدای از آنها فرض نمود. سیستم نظام تمدنی اسلامی به گونه‌ای است که سعادت انسانها را به وسیله به کارگیری و اجرای عدالت تضمین می‌نماید و هدف از کارکرد عدالت و اجرای آن را سعادت و هدایت انسان به سمت توحید و رشد انسانی- اسلامی می‌داند. قوه معرفتی، احساسی و رفتاری انسان، در تمدن اسلامی متصف به عدل است و عدالت است که برای ایجاد و بقای تمدن در همه ابعاد آن تحقق پیدا می‌کند و آنچه که بشریت از عدالت می‌داند که مهمترین آنها ظلم ستیزی و ظالم نبودن و عدالت اجتماعی است در تمدن سازی اسلامی قابلیت تحقق دارد که باید از قوه به فعل برسد(کارگر، ۱۳۹۵: ۱۷۰).

وجه تمایز تمدن اسلامی با دیگر تمدن‌ها در این است که پشتوانه‌های مادی بر اساس عدالت توزیع می‌شوند و پیشرفت و تکنولوژی علمی در اختیار همه افراد قرار می‌گیرد. اگر کسانی بخواهند از گسترش علم در تمدن اسلامی مخالفت کنند تا به منافع نفسانی خود برسند و تکنولوژی را منحصر به خود نمایند، عدالت حاکم بر آنان خواهد شد و از افعال مخالف با اصول عدالت ممانعت خواهد نمود. در ضمن ساختارها و نهادها در تمدنسازی اگر بر اساس عدالت بنا شده باشند می‌توانند در تمدن اسلامی حضور داشته باشند و گرنه ساختارها و نهادها ظالمانه در جهان کم نیستند که عدالت را

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

با توجه به منافع فردی و گروهی تفسیر مینمایند. حال اگر در تمدنسازی اسلامی نسبت به یک ساختار احساس بی‌عدالتی بشود، آن ساختار و نهاد غیرقانونی و منحل خواهد شد (کارگر، ۱۳۹۵: ۱۷۰).

نکتهی مهم این که برای ایجاد و گسترش تمدن نوین اسلامی، عدالت و امنیت و ثبات سیاسی و اجتماعی جامعه نقش اساسی دارند و هر دو از جمله دغدغه‌های اساسی و مهم افراد، جوامع و اندیشه‌های بشری بوده است. عدالت موجب کاهش اختلاف، تشتت و بی‌نظمی است و مبنایی محکم برای آرامش و آسایش و انسجام ملی است که همگی پیشنیاز مهمی برای رشد اقتصادی و پیشرفت تمدنی است. برقراری عدالت اجتماعی و امنیت و آرامش در جامعه از طریق نظام انگیزشی افراد میتواند موجب بروز نوآوری‌ها و امید به بهره‌وری از بازدهی و نتایج مسرت‌بخش تلاش‌هایی باشد که در سایه آرامش و رفتار عدالت‌محور به دست آمده است. همچنین توزیع برابر امکانات از سوی بخش عمومی زمینه تولید را بین شهروندان فراهم می‌کند و باز توزیع ثروت و درآمد از طریق نظام مالیاتی عادلانه بر تخصیص بهینه منابع عمومی، شکاف طبقاتی را کاهش داده و جامعه تمدنی را به آستانه توازن اسلامی مورد نظر قرآن نزدیک می‌کند. نتیجه آن که برقراری عدالت اجتماعی و امنیت و آرامش به مثابه مؤلفه اصلی برای تحقق و پایداری تمدن اسلامی است و بقای تمدن در گرو این مبنای مهم اسلامی است و پیشنیاز رشد اقتصادی و پایداری سیاسی و انسجام فرهنگی و بروز خلاقیتهای تمدنساز می‌باشد (خادم علیزاده، ۱۳۹۸: ١٤-١٣).

معادلات جهان در پی ایجاد یک حکومت یکپارچه و رسیدن به تمدن واحد با ایجاد دهکده جهانی با کدخدای واحد است، که برای جهانی سازی با فریب ملت‌ها با واژه استعمار، جنگ و کشتار، استثمار و آوارگی را راه انداختند که جلوه آن هم اکنون در تفکر تمدن غربی است، در حالی که تمدن توحیدی- اسلامی از زمان رسول خدا (ص) دارای ایدئولوژی جهانی بوده است. این تفکر در اندیشه مسلمانان به ویژه اندیشمندان تشیع بیشتر بوده، زیرا آنها روی غایت هستی و رسیدن جهان عاری از ظلم و ستم مباحث متنوعی را از ائمه معصومین نقل کردهاند. لذا عدالت با زوایای متعددی که دارد نیازمند یک حرکت عظیم بشری برای تحقق آن است. مسلمانان به عنوان داعیه‌دار

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

حکومت عادلانه بیشتر گرفتار سیاستهای غربگرایانه شده‌اند و از اصول مسلم اسلامی خود غافل گشتهاند، زیرا بعد از چهارده قرن از دین اسلام هنوز مسلمانان در رنج و گرفتار سیاست‌بازی غرب شدهاند که با ایجاد تفرقه توسط آنان، امت واحده اسلامی به فراموشی سپرده شده است. بنابراین تنها تمدنسازی اسلامی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که برای متنبه کردن مسلمانان نسبت به اصول و شاخصههای تمدن اسلامی با محوریت عدالت و عدالتخواهی کارآیی ویژه خود را در مقام عمل نشان خواهد داد(کارگر، ۱۳۹۵: ۱۷۲-۱۷۱).

٤.١. تبیین جایگاه عدالت در بیانات مقام معظم رهبری(مدظله العالی) با محوریت(بیانیه گام دوم)

مقام معظم رهبری عدالت را به حد وسط تعریف می‌نماید و در این زمینه معتقد است که: «پیدا کردن حد وسط با توجه به پیچیدگی‌های مسائل اقتصادی و اجتماعی امروز کار ظریفی است. هنر شما به عنوان وزیر و مدیر این است که بتوانید با ظرافت این کار را انجام دهید، که هم آنچه را که «اعم للعدل» و «اشمل للرضا العامة» و «اوسط الی الحق» است، تأمین شود» (بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۸٤/۰۷/۱۷).

همچنین ایشان درباره عدالت در نظام اسلامی می‌فرمایند: «فوریترین هدف تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است. قیام پیامبران خدا و نزول کتاب و میزان الهی برای همین بود که مردم از فشار ظلم و تبعیض و تحمیل نجات یافته، در سایه قسط و عدل زندگی کنند و در پرتو آن نظام عادلانه، به کمالات انسانی نایل آیند. دعوت به نظام اسلامی، منهای اعتقادی راسخ و عملی پیگیر در راه عدالت اجتماعی، دعوتی ناقص، بلکه غلط و دروغ است و هر نظامی هر چند با آرایش اسلامی، اگر تامین قسط و عدل و نجات ضعفا و محرومین، در سرلوحه برنامه‌های آن نباشد غیراسلامی و منافقانه است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۰۷/۱٤، ۱۳۸۳/۰۳/۱۸، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰ به نقل از فرزانه و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۹).

رهبری در باب اهمیت عدالت در بیانیه گام دوم، عدالت را کلمه‌ای مقدس در همه زمان‌ها و سرزمین‌ها و نیز در صدر اهداف اولیه بعثت‌های الهی مطرح کردهاند و در

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

جمهوری اسلامی نیز دارای همان شان و جایگاه را است. ایشان در مورد مبارزه با فساد و برقراری عدالت در جامعه فرمودهاند که: فساد اقتصادی توده چرکین کشورهاست و نظامهاست و اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنهاست و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌هاست(نامداری، ١٤٠٠: ٣٥).

بنابراین در اندیشه مقام معظم رهبری، زوال تمدن‌ها معلول انحراف‌هاست و تمدن‌ها بعد از آنکه به اوج می‌رسند، به دلیل ضعف‌ها و خلاءها و انحراف‌های خود رو به انحطاط می‌روند و اکنون نشانه این انحطاط در تمدن غربی قابل مشاهده است. به طوری که تمدن علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و دین و قدرت بدون عدالت است. معظم‌له در جای دیگر از عدالت اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام یاد میکند و معتقدند که باید عدالت اجتماعی و پر کردن شکاف‌های طبقاتی در همه برنامه‌های حکومت، در قانونگذاری، در اجرا، در قضا مورد نظر و هدف باشد. به اعتقاد ایشان اگر ما بگوییم کشور را ثروتمند میکنیم، اما ثروت‌ها در گوشه‌ای به نفع یک عده انبار شود و عده کثیری از مردم نیز دستشان خالی باشد، با مکتب سیاسی امام نمی‌سازد. پر کردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهمترین و سخت‌ترین مسئولیت است و همه برنامه‌ریزان، قانونگذاران، مجریان و همه کسانی که در دستگاه‌های گوناگون مشغول کار هستند، باید این موضوع را مورد توجه قرار دهند و یکی از مهم‌ترین شاخص‌های حرکت خود به حساب آورند. ایشان در تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی درباره عدالت اجتماعی می‌فرمایند: «از همه این شاخص‌ها مهم‌تر، شاخص کلیدی و مهم عدالت اجتماعی است. یعنی ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به هیچ وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم. کشورهایی هستند که شاخصهایشان خیلی خوب است، مطلوب است، رشد اقتصادیشان خیلی بالا است؛ لاکن تبعیض، اختلاف طبقاتی، نبود عدالت در آن کشورها محسوس است. ما این را به هیچ وجه منطبق با خواست اسلام و اهداف جمهوری اسلامی نمی‌دانیم. بنابراین یکی از مهم‌ترین شاخص-

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

های ما، شاخص عدالت اجتماعی است. باید طبقات محروم از پیشرفت اقتصادی کشور به معنای واقعی کلمه بهره‌مند بشوند»(بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۰۷/۱٤، ۱۳۸۳/۰۳/۱۸، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰ به نقل از: اکبری و رضایی، ۱۳۹۳: ۱۰۰-۹۹).

٤.۲. بایسته‌ها و الزامات تحقق عدالت در تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

تأکید بر ساختار و قوانین عادلانه: یکی از سازوکارهای مهم عدالت اجتماعی- سیاسی قانون‌گرایی است. احترام به قانون می‌تواند ما را در اجرای آن و در تحقق عدالت اجتماعی- سیاسی جامعه کمک کند. قانون‌گرایی به این معناست که همه افراد در مقابل قانون مساوی هستند و هیچ کس بالاتر از قانون نیست و قانون در همه جا و در مورد همه کس اجرا می‌شود. فقیر و غنی در مقابل قانون هیچ تفاوتی باهم ندارند. مشهوریت، شغل مناسب، درآمد بالا و مسائل دیگر نباید در جامعه مانع اجرای قانون شود. اجرای دقیق قانون در جامعه منجر به اجرای عدالت در جامعه میشود. ایشان در سخنان خود به این نکته اذعان دارند، که عمل به قانون اساسی، علاج اساسی دردهای کشور است و عمل هم متوقف براین است که عناصر عمل‌کننده آن (دستگاه قانونگذاری، اجرایی، قضایی) عمل، مسئولیت و انجام وظیفه را ملاک خود قرار بدهند. همچنین قانون باید حامی و طرفدار قشر محروم باشد و بتواند حقوق از دست رفته این قشر را به آنها برگرداند. بنابراین اجرای عدالت در جامعه قانون است و اگر بر طبق قانون امری محقق شود عدالت است و اگر برخلاف قانون امری انجام شود ظلم است(پورهاشمی، ۱۳۸۹). لذا از نظر رهبر معظم انقلاب، عدالت اجتماعی در قانونگذاری اجتماعی است و میفرمایند: «رکن اول، قوانین عادلانه است که به نظر معتقدان به اسلام این قوانین عادلانه فقط قوانین اسلام است، زیرا اسلام قوانین خود را از وحی خدا می‌گیرد و خدا که دانای همه اسرار و رموز عالم است، قوانین جامعه اسلامی را منطبق با قوانین فطرت و طبیعت جهان قرار

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

می‌دهد. و اگر قوانین الهی اجرا بشود، عدل به معنای واقعی در جامعه مستقر خواهد شد»(بیانات مقام معظم رهبری، ١٣٦٠/٠١/٧). رهبر انقلاب اسلامی در خصوص ساختار عادلانه نیز تأکید می‌کنند که: «منشور اصلی جمهوری اسلامی که قانون اساسی مترقی و جامع ما است، با توزیع صحیح و منطقی و عادلانه‌ی قدرت در میان ارکانی که معیارهای اسلامی در تشکیل آنها به کار گرفته شده، و با ایجاد پیوندی دینی و عاطفی میان مردم با مسئولان کشور، تازهترین سخن را در فلسفهی سیاسی به میدان آورده است»(بیانات مقام معظم رهبری، ١٣٧٧/١٢/٣ به نقل از: خورشیدی اصل، ١٣٩٩).

لزوم افزایش ثروت ملی و توزیع عالادنه آن: در بیان مقام معظم رهبری ثروت‌آفرینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که شرط تحقق توزیع عادلانه نیز میباشد: «هر نسخه‌ای هرچه هم مستند به منابع علی‌الظاهر دینی باشد و نتواند این دو را تامین کند، اسلامی نیست. یکی از آن دو پایه عبارت است از افزایش ثروت ملی. کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد؛ کشور فقیری نباید باشد؛ باید بتواند با ثروت خود، با قدرت اقتصادی خود، اهداف والای خودش را در سطح بین‌المللی پیش ببرد. پایه دوم، توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه اسلامی است. این دو باید تامین بشود و اولی، شرط دومی است. اگر تولید ثروت نشود؛ اگر ارزش افزوده در کشور بالا نرود، ما نمی‌توانیم محرومیت را برطرف کنیم؛ نخواهیم توانست فقر را برطرف کنیم»(بیانات مقام معظم رهبری، ١٣٩٦/٠٣/٢٢ به نقل از: خورشیدی اصل، ١٣٩٩).

بکارگیری کارگزاران عادل و با تقوا: رکن دوم و اساسی در تحقق عدالت در جامعه اسلامی از منظر رهبر انقلاب اسلامی،کارگزار و نیروی عادل است. ایشان در خصوص اهمیت این امر بیان میدارند: «رکن دوم، نیروی اجراکننده این قوانین است، اگر قوانین عادلانه باشد اما نیروی اجراکننده عادل نباشد، از عدل اجتماعی خبری نخواهد بود. بهترین قوانین اگر مجریان شایستهای

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نداشته باشد همیشه معطل خواهد ماند، همچنان همچنان که قرن‌هایی گذشت و قوانین اسلام در جامعههایی که مسلمانها در آن زندگی میکردند اجرا نشد، به همین جهت است که از نظر اسلام مجری قوانین یعنی آن مقامی که در راس قوه اجرایی قرار می‌گیرد باید انسانی عادل باشد، باتقوا و مراقبت کامل و بر قوانین و اجرای آن نظارت کند»(بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳٦۰/۰۱/۷ به نقل از: خورشیدی اصل، ۱۳۹۹).

فقرزدایی و برطرف ساختن محرومیت: آیت‌الله خامنه‌ای فقرزدایی و تسکین آلام طبقات ضعیف را از وظایف مهم دولت اسلامی می‌دانند و در این‌باره خطاب به مسئولین دولتی میگویند: «در برنامه‌ریزی‌ها مساله‌ی برطرف کردن فقر و محرومیت از کشور را در درجه اول قرار دهید که یکی از ارکان عدالت، این موضوع البته همه‌ی مفهوم عدالت این نیست که ما فقر و محرومیت را برطرف کنیم، گرچه حقاً و انصافاً بخش مهمی از آن است»(بیانات رهبری در دیدار با هیات دولت، ۱۳۷٤/٦/۸). اساسا فقرزدایی و کاهش فاصله طبقاتی و تلاش برای برابری افراد در استفاده از امکانات و برابری در فرصت‌ها، از نظر آیت‌الله خامنه‌ای از مقدمات اصلی عدالت اجتماعی مورد نظر اسلام است. ایشان می‌گویند: «به نظر ما عدالت، کاهش فاصله‌های طبقاتی است، کاهش فاصله‌های جغرافیایی است. این‌جور نباشد که اگر منطقه‌ای در نقطه‌ی جغرافیایی دور از مرکز کشور قرار گرفته است، دچار محرومیت باشد اما آنجایی که نزدیک است، برخوردار باشد. این عدالت نیست. هم فاصله‌های طبقاتی باید برداشته شود، فاصله‌های جغرافیایی باید برداشته شود و هم برابری در استفاده از امکانات و فرصت‌ها باید به وجود آید»(سخنرانی در اجتماع زائران مشهد مقدس، ۱۳۸۸/۱/۱، واعظی، ۱۳۹۰ به نقل از: نامداری، ۱٤۰۰: ۳۷).

تلفیق عدالت با عقلانیت و معنویت: در جامعه عادلانه اسلامی عقل و دل در کنار هم و همراه همدیگر و مکمل هم هستند و شناخت کامل، با همراهی هر دو حاصل میشود. در چنین جامعهای، عدالت هم در کنار معنویت و عقل

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مطرح میشود. جامعه اسلامی باید از لحاظ اخلاقی، پذیرای اجرای عدالت باشد و از طرف دیگر، برای تشخیص مصادیق عدالت باید عقل و خرد را به کار برد(پورهاشمی، ۱۳۹۰: ۹۳). مقام معظم رهبری در این خصوص میفرمایند: «اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید، نخواهد بود؛ اصلا عدالت نخواهد بود. اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر به شدت در هم تنیده است؛ یکی مفهوم عقلانیت است؛ دیگر معنویت، اگر معنویت با عدالت همراه نباشد، به یک شعار توخالی تبدیل میشود. خیلیها حرف عدالت را میزنند، اما چون معنویت و آن نگاه معنوی نیست، بیشتر جنبهی سیاسی و شکلی پیدا میکنند»(امینی، ۱۳۹۷).

نظارت آگاهانه مردم: یکی دیگر از ارکان مهم اجرای عدالت «مردم» اند. ایشان تاکید می کنند: «اگر بخواهیم در جامعه عدالت به‌معنای واقعی اجرا شود باید مردم در صحنه اجتماع حضور داشته باشند. حقوق خود را بفهمد و اجرای عدالت را که تامین عادلانه آن حقوق است بخواهند. به‌همین‌جهت اسلام بر روی فهم و درک مردم تکیه می‌کند. اسلام نمی‌گوید که مجری عادل باشد؛ اما مردم می‌خواهند بفهمند یا نفهمند، بخواهند یا نخواهند، عدالت در حق آنان باید اجرا شود، چنین نیست. اسلام می‌گوید مردم باید به حقوق خود واقف باشند و اگر مردم به حقوق خود واقف شدند و آن حقوق را طلب کردند اجرای عدالت یک تضمین حتمی پیدا می‌کند. به‌همین‌جهت در دوران حکومت عادلانه امیر مؤمنان(ع) بااینکه قوانین اسلام در جامعه حاکم بود و بااینکه در رأس دستگاه حکومت شخصی مانند علی‌بن‌ابیطالب قرار داشت که عدل مجسم بود، درعین‌حال برای این‌که عاملان حکومت در گوشه و کنار جامعه بزرگ اسلامی از جاده عدل تخطی نکنند و حقوق مردم پایمال نشود، امیرالمؤمنین(ع) به هوشیار کردن مردم و آگاه ساختن آن‌ها نسبت‌به حقوقشان اصرار عجیبی داشت»(بیانات رهبری در خطبه نماز جمعه تهران، ۱۳٦۰/۰۱/۰۷). این نکته نشان‌دهنده نقش بی‌بدیل مردم در نظام

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

اسلامی است. ازاین‌رو عامل مردم بسیار بااهمیّت است به صورتی که حتی با وجود امام معصوم در رأس حکومت، بدون اراده و خواست مردم هیچ‌چیزی محقق نمی‌شود و اگر هم محقق شود دوام نخواهد داشت. لذا خواست و رای و مردم مهم‌ترین رکن ارزش‌های اسلامی- انسانی ازجمله عدالت است(حکم آبادی و فربد، ۱۳۹۹).

گفتمان‌سازی عدالت‌خواهانه: یک از ارکان و بایسته‌های مهم دیگر برای تحقق و اجرای عدالت در جامعه، گفتمان‌سازی است. رهبر انقلاب در این خصوص تأکید می‌نمایند که: «آن وقتی کار، شکل عمومی و مردمی پیدا خواهد کرد، که این فکر شما، این جهت‌گیری شما تبدیل به یک گفتمان عمومی بشود»(بیانات رهبری، ۱۳۹۸/۰۵/۱۰). درحقیقت گفتمان یعنی باور عمومی یعنی آن‌چیزی که به‌صورت یک‌سخن مورد قبول عموم تلقی بشود، مردم به آن توجه داشته باشند(بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵). همچنین ایشان تاکید می‌کنند: «به‌واقع اگر تفکری به‌صورت گفتمان درآمد، اجرای آن دیگر کار دشواری نیست(بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۱۰/۱٤). اگر گفتمان عدالت برای نخبگان و عموم مردم به‌خوبی تبیین و تعمیق گردد، عدالت‌خواهی به گفتمان عمومی جامعه تبدیل می‌گردد. دراین‌صورت آحاد جامعه اجرای عدالت را از مسئولان و دست‌اندرکاران مطالبه می‌نمایند و رسانه‌ها نیز به سمت بحث عدالت و مباحث مرتبط با آن کشیده می‌شوند. گفتمان سازی عدالت اثر خود را در انتخاب‌ها و گرایشات مردم ازجمله انتخاب مسئولان در انتخابات‌ها نیز نشان می‌دهد و حتی کسانی که آن‌چنان معتقد به شعار عدالت نیستند نیز اجباراً ولو در ظاهر نیز که شده تسلیم این گفتمان می‌گردند و اثر خود را در کارهایشان می‌گذارد. بنابراین از دور شدن مطالبه عدالت از اذهان خودداری کنند و آن را به یک شعار اصلی در ذهن‌ها تبدیل کنند تا عدالت در مسائل داخلی و جهانی به خواست عمومی و حداکثری مردم تبدیل شود. به‌خصوص عدالت را به گفتمان غالب در محیط‌های جوان و دانشجویی بدل سازند و منظومه معرفتی اسلام درباره لزوم قیام به قسط را به جوانان معرفی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

کنند. درضمن باید از عدالت‌خواهی مصداقی و شخصی خودداری شود، چون این امر گاه باعث اشتباه در تشخیص مصادیق و گاه باعث سوءاستفاده قانون‌دانان قانون‌شکن و محکوم شدن عدالت‌خواهان می‌شود و اصل گفتمان عدالت را به حاشیه رانده و تضعیف می‌کند. عمده کاری که در این زمینه لازم است این است که عدالت‌خواهان با مطرح کردن و سردست گرفتن پرچم و گفتمان عدالت‌خواهی به ابعاد کلان و ساختاری و گفتمانی عدالت بپردازند و با تبیین و توضیح عدالت و مباحث مرتبط با آن در فضاهای نخبگانی، علمی و در فضاهای عمومی گفتمان عدالت را عمومی و همه‌گیر کنند. دراین‌صورت جریان‌ها و مسئولان تسلیم گفتمان عدالت می‌شوند و حرکت و جهت‌گیری جامعه و مسئولان و دستگاه‌های کشور به سوی عدالت قرار می‌گیرد(رستمی و نصراللهی، ۱۳۹۹). به‌طورکلی از نظر ایشان پیشرفت در عرصه‌های گوناگون مرهون گفتمان‌سازی است؛ «ما امروز در مسائل فضایی، هسته‌ای، نانو، فناوری زیستی و دیگر موارد گوناگون پیشرفت‌های زیاد و مهمی داریم؛ این پیشرفت‌ها ناشی از گفتمان‌سازی است»(بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۰٦/۰۳). لذا آرمان عدالت نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد.



شکل شماره(۲) الزامات تحقق عدالت در تمدن نوین اسلامی از منظر رهبری

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نتیجه‌گیری

تاریخ بشریت حاکی از آن است که تمدن اسلامی منشأ شکل‌گیری تحولات بسیار گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف و گوناگون علمی و سایر تحولات بشری بوده است و خدماتی که به جامعه بشری ارائه نموده است مورد تأیید و تصدیق بیشتر دانشمندان دنیا می‌باشد، با این حال تمدن اسلامی در سده‌های مختلف با تغییر و تحولات زیادی همراه بوده است اما عناصر عمیق و اثرگذارش توانسته پویایی و زایایی آن را در دوره‌های گوناگون حفظ نماید. اساس شکل‌گیری انقلاب اسلامی نیز به همین دلیل بوده است که با تأکید بر روش‌ها و قواعد ناب اسلامی و با کاربست آن، جانی تازه در پیشرفت، تکامل و تعالی تمدن اسلامی ببخشد. تمدن نوین اسلامی برای ایجاد، بقا و داوم، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی را باید دارا باشد، یکی از این مفاهیم و شاخص‌های کلیدی و اساسی، عدالت است. به عبارت بهتر از مهم‌ترین پایه‌های تمدن اسلامی یکی از ستون‌های اصلی آن است. در تمدن نوین اسلامی، تحقق و اجرای عدالت وظیفه همگانی حکومت و مردم است. بنابراین، اجرای عدالت و مبارزه قاطع با ستمگران، نیازمند قاطعیت، قانونمندی و تحمل دشواری‌هاست. کنش‌گران برای محقق شدن تمدن نوین اسلامی، خواه افراد جامعه خواه رهبران و کارمندان آن باید پایبند به عدالت باشند به طوری که هر چه مسئولیت وظایف آنها بیشتر باشد، حس عدالت‌خواهی در وجود آنها بیشتر ریشه دوانده و قوی‌تر می‌شود. عدالت تعیین‌کننده و در مرکز گفتمان سیاسی تمدن اسلامی و نظام رهبری قرار گرفته است. ازاین رو هدف تمدن دینی رساندن جامعه به سعادت است که در چهارچوب عدالت به منصه ظهور می‌رسد. لذا صحبت از پدیده آخر الزمانی و اجرای عدالت در ابعاد متفاوت جهانی و وعده تحقق عدالت‌گستر در ادیان الهی حاکی از اهمیت و ضرورت تحقق عدالت در تمدن اسلامییباشد. بدین‌ترتیب، عدالت در تمدنسازی عامل مهم و اصیل در تحقق یافتن تمدن دینی می‌باشد که در همه خرده نظام‌های تمدن حضور دارد. حدوث و بقاء تمدن منوط به عدالت است و همه عناصر تمدنسازی به عدالت پیوند خوردند. لذا از این جهت اگر عدالت در همه تار و پود تمدن ریشه دواند، بیشک جوامع انسانی به هدایت و سعادت بالاتری دست خواهند یافت.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

منابع

١.اسماعیل پور، اکرم و همکاران. (١٣٩٩). "بررسی عدالت اجتماعی از منظر مقام معظم رهبری در راستای بیانیه گام دوم انقلاب." *کنفرانس ملی مؤلفه‌های تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم انقلاب*. مشهد، ایران.

٢.اشرف، سیدحمید. (١٣٩٩). "تمدن نوین و مقیاس انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم."*کنفرانس ملی مؤلفه‌های تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم انقلاب*. مشهد، ایران.

٣.افلاطون. (١٣٨٠). *دورهٔ آثار افلاطون*. (م، لطفی. مترجم). جلد ٢. تهران: انتشارات خوارزمی.

٤.اکبری، مرتضی؛ رضایی، فریدون. (١٣٩٣). "واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری(مدظله)." *الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی*. دوره ٣، ش ٥، ١٠٨– ٨٥.

٥.امینی، زهرا. (١٣٩٧). "بررسی و تبیین عدالت در بیانیه گام دوم انقلاب مقام معظم رهبری." *جشنواره تالیفات علمی برتر علوم انسانی اسلامی- جایزه ویژه علامه جعفری*. دانشگاه آزاد اسلامی و حوزه علمیه الزهرا(س). خلخال، ایران.

٦.برزویی، محمدرضا؛ جهانگیری فیض آبادی، احمد. (١٣٩٧). "ظرفیت‌شناسی رویکرد راهبردی و آینده‌نگارانه به آموزه مهدویت در بستر تمدن نوین اسلامی."*اندیشه مدیریت راهبردی*. دوره ١٢، ش١، ١٢٢– ٨١.

٧.پورهاشمی، فخرالسادات. (١٣٨٩). "رهبری و گفتمان عدالت." *پگاه حوزه*. ٢٨١، قابل دسترسی در: https://hawzah.net/fa/Magazine/View/3814/7563/94390/%D8%B1%D9

٨.پورهاشمی، فخرالسادات. (١٣٩٠). "مبانی نظری عدالت در اندیشه مقام معظم رهبری." *معرفت*. دوره ٢٠، ش١٦٨، ٩٤–٧٧.

٩.پهلوان، چنگیز. (١٣٨٨). *فرهنگ و تمدن*. تهران: نشر نی.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱۰. پیروزمند، علیرضا؛ خورشیدی، محمد. (۱۳۹۸). "مؤلفه‌های ساختاری تمدنسازی اسلامی (با رویکرد آینده‌پژوهی)." *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*. دوره ۲، ش ۱، ۳۵۲- ۳۲۹.

۱۱. توینبی، آرنولد. (۱۳۷٦). *بررسی تاریخ تمدن*. (م، آریا. مترجم). چاپ اول، تهران: نشر امیرکبیر.

۱۲. خامنه ای، سید علی. (۱۳۸۸/۰۱/۰۱). بیانات در اجتماع زائران مشهد مقدس.

۱۳. خامنه ای، سید علی. (۱۳۹۵/۰٦/۰۳). بیانات.

۱۴. خامنه ای، سید علی. (۱۳۹۲/۰٦/۰٤). بیانات.

۱۵. خامنه ای، سید علی. (۱۳۹۲/۱۲/۰۵). بیانات.

۱۶. خامنه ای، سید علی. (۱۳٦۰/۰۱/۰۷). بیانات.

۱۷. خامنه ای، سید علی. (۱۳۹۸/۰۵/۱۰). بیانات.

۱۸. خامنه ای، سید علی. (۱۳۹۰/۱۰/۱٤). بیانات.

۱۹. خامنه ای، سید علی. (۱۳۸٤/۷/۱۷). بیانات در دیدار با اعضای هیات دولت.

۲۰. خامنه ای، سید علی. (۱۳۷٤/٦/۸). بیانات در دیدار با اعضای هیات دولت.

۲۱. جعفری، علامه محمدتقی. (۱۳۷۳). *فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو*. جلد ٦. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۲۲. جمشیدی‌راد، محمدصادق؛ ادیب بهروز، محسن. (۱۳۹۸). "الزامات و بایسته-های تحقق تمدن نوین اسلامی بر مبنای سیره‌ی سیاسی پیامبر(ص)." *سیاست متعالیه*. دوره ۷، ش ۲٤، ۱۱۸- ۱۰۱.

۲۳. حقپناه، رضا. (۱۳۸۰). "عدالت اجتماعی در تهران." *اندیشه حوزه*. ش ۳۰.

۲۴. حکم آبادی، سید حامد؛ فربد، دانیال. (۱۳۹۹). "بررسی الزامات تحقق عدالت در دولت اسلامی از منظر رهبران جمهوری اسلامی ایران." *دومین همایش ملی حکمرانی اسلامی*. تهران، ایران.

۲۵. خادم علیزاده، امیر.(۱۳۸۹). "واکاوی جایگاه و مؤلفه‌های اقتصاد بخش عمومی در رشد و تعالی تمدن نوین اسلامی، اقتصاد و بانکداری اسلامی." دوره ۷، ش ۲٦، ۳٤- ۷.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۲۶. خواجه سروی، غلامرضا و همکاران. (۱۳۹۳). "مؤلفه‌های اصلی تمدن سازی انقلاب اسلامی (با تأکید بر نقش عقلانیت، معنویت و علم‌گرایی)." *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*. دوره ۳، ش ۱۱، ۳٤-۱.

۲۷. خورشیدی اصل، امیرحسین. (۱۳۹۹). "جایگاه و نقش عدالت در تحقق تمدن اسلامی با تاکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی." *کنفرانس ملی مولفه های تمدنساز در بیانیه گام دوم انقلاب*. دانشگاه جامعه المصطفی، مشهد، ایران.

۲۸. دانشپور و عزیزی.(۱۳۹۸). "احیای جنبش عدالت‌خواهی در مسیر تمدن نوین اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب." *همایش ملی جستارهای پژوهشی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب*. گرگان، ایران.

۲۹. دانشگر، احمد(۱۳۸۱). فرهنگ فارسی نوین، تهران: انتشارات حافظ نوین.

۳۰. دورانت، ویل و آریل. (۱۳۸٤). *درآمدی بر تاریخ تمدن*. (ا، بطحایی، خ، دیهمی. مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۳۱. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). *لغت‌نامه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۳۲. رستمی، رضا؛ نصراللهی، محمدصادق. (۱۳۹۹). "بایسته‌های عدالت‌خواهی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب." *مطالعات راهبردی بسیج*. دوره ۲۳، ش ۸۹، ۲۳-۱.

۳۳. ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). *درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی*. تهران: کیهان.

۳۴. سپهری، محمد. (۱۳۸۵). *تمدن اسلامی در عصر امویان*. تهران: نورالثقلین.

۳۵. شجاعی، هادی. (۱۳۹۵). "ظرفیت‌های فرهنگ سیاسی تشیع در آفرینش تمدن نوین اسلامی." *تاریخ اسلام در آینه‌ی پژوهش*. دوره ۱۰، ش٤۰، ۱۰۰-۷۱.

۳۶. شمشیری، علیرضا؛ شمشیری، ابراهیم. (۱۳۹۹). "نقش عدالت در تمدن نوین اسلامی." *کنفرانس ملی مؤلفه‌های تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم انقلاب*. مشهد، ایران.

۳۷. ضابطپور کاری، غلامرضا. (۱۳۹٦). "نقش حوزه انقلابی در تمدن نوین اسلامی با تاکید بر اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای(زید عزه)." *سپهر سیاست*. دوره٤، ش۱٤۱٤، ۲۰۵- ۱۸۵.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۳۸. عیسی‌زاده، خالد؛ عیسی‌زاده، بشارت. (۱۳۹٦). "جایگاه عدالت در حکومت اسلامی." *حبل‌المتین*. دوره ٦، ش ۲۱، ۱۳٦-۱۲۰.

۳۹. غلامی، رضا. (۱۳۹٦). *فلسفه تمدن نوین اسلامی*. تهران: سوره مهر.

۴۰. فرزانه، محمدباقر و همکاران. (۱۳۹۷). "تبیین عوامل ایجاد تمدن نوین اسلامی." *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*. دوره ۲٤، ش۳، ۲۰٦- ۱۷۷.

۴۱. کارگر، محمود. (۱۳۹۵). "جایگاه عدالت در تمدنسازی از منظر فارابی، امام(ره) و مقام معظم رهبری." *فرهنگ پژوهش*. دوره۷، ش۲۷، ۱۷۳- ۱٤۹.

۴۲. کرمی فریدنی، علی. (۱۳۹۳). *ظهور و سقوط تمدنها از دیدگاه قرآن*. چاپ ششم. قم: نشر ولی عصر.

۴۳. مرکز مطالعات راهبردی ناجا. (۱۳۹۵). *نظم و امنیت در رویکرد تمدنی با تأکید بر تمدن نوین اسلامی*. تهران: مرکز مطالعات راهبردی ناجا.

۴۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۵۳). *نظام حقوقی زن در اسلام*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۴۵. نامداری، علی. (۱٤۰۰). "تبیین بعد اقتصادی عدالت اجتماعی بیانیه گام دوم با آموزه‌های نهج البلاغه." *پژوهش و مطالعات علوم اسلامی*. دوره ۳، ش۲۱، ٤۹-۳۲.

۴۶. واعظی، احمد. (۱۳۹۰). "بررسی عدالت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای." *قابل دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=12797*

۴۷. یوسفی خرایم، محمد. (۱۳۹۷). "پیشران‌های تحقق عدالت اجتماعی به عنوان یکی از محورهای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران." *مدیریت راهبردی و آینده‌پژوهی*. دوره ۱، ش۲، ۲۹۳-۳۱۳.

Archive of SID.ir